نشریه علمی مطالعات انقلاب اسلامی
دوره ۱۸، زمستان ۱۴۰۰، شماره ۶۷
مقاله علمی ـ پژوهشی
صفحات: ۱۴۰ ـ ۱۲۱

Scientific Journal
ISLAMIC REVOLUTION STUDIES
Vol. 18, Winter 2022, No. 67
Scientific Research Article

بررسی مبانی نظری انقلاب اسلامی در اندیشه امام موسی صدر و شهید مطهری

مهدی امید*
علی قاسمیان**
علی فلاح‌نژاد***

چکیده

نظر غالب اندیشمندان شیعی بر محور مخالفت با حکام دنیوی و مادی استوار بوده است و آنان را غاصب قدرت امام دانسته‌اند. سئوال این پژوهش بر محور پاسخ‌گویی به وجوه تشابه و تمایز اندیشه امام موسی صدر و شهید مطهری در باب علل وقوع انقلاب اسلامی ایران قرار دارد. در پژوهش حاضر که با رویکرد تفسیری، تحلیلی و تبیینی صورت گرفته است، از روش تحقیق کتابخانه‌ای و اسنادی استفاده شده و تاثیر جدی ذهنیت و باورهای فرهنگی و نگرش دینی ـ مذهبی در مبانی نظری انقلاب اسلامی ایران در اندیشه دو اندیشمند که در بستر خرده گفتمان سنتی شیعی انقلاب اسلامی فعال بوده‌اند، مورد تاکید بوده است. امام موسی صدر با اثبات نظریه خویش از طریق نفی نظام موروثی و پادشاهی و شهید مطهری با نفی نظام پهلوی از طریق بسیج تودهای مردمی، براستقرار نظم جدید، اهتمام می‌ورزند.

واژگان کلیدی

انقلاب اسلامی ایران، گفتمان شیعی انقلاب اسلامی، نظریه انقلاب.

---

*. دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران. m_omidir@yahoo.com
**. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران. (نویسنده مسئول)
ali.ghasemiyan@gmail.com
***. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران. alifalahnejad@yahoo.com
تاریخ دریافت:۱۴۰۰/۶/۲۷ تاریخ پذیرش:۱۴۰۰/۱۰/۱۳

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران در ۲۲ بهمن۱۳۵۷ به پیروزی رسید. انقلابی که بسیاری از کنشگران و اندیشمندان، قبل و پس از آن، در ارتباط با زمینه‌ها و عوامل وقوع آن، قلم‌فرسایی نموده‌اند. در این زمینه مجموعه گسترده‌ای از اظهار نظرها و تفاسیر وجود دارد که از زوایای گوناگون فرهنگی، مذهبی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، تاریخی، اقتصادی و سیاسی به انقلاب اسلامی ایران، پرداخته‌اند.

برخی از نظریه‌پردازان، رویکرد فرهنگی انقلاب اسلامی ایران را تحت تأثیر یا تعدادی از عوامل، تحلیل و تفسیر نموده‌اند: ۱. دیدگاه‌هایی که هدف اصلی این انقلاب را ورود معنویت به صحنه سیاست دانسته‌اند؛ ۲. دیدگاه‌هایی که علت وقوع طغیان انقلابی در ایران را مبارزه رژیم پهلوی با مظاهر اسلامی و فرهنگ جامعه ایران برشمرده‌اند؛ ۳. دیدگاه‌هایی که به نقش ایدئولوژی تشیع از منظر عدالت‌خواهی و ضد ظلم بودن ماهیت آن پرداخته‌اند؛ ۴. آثار و نوشته‌هایی که بر مبنای نظریه‌های گفتمان ـ ازجمله نظریه گفتمان «لاکلا و موف» و «فوکو» ـ به بیان ویژگی‌های انقلاب اسلامی ایران همت گماشته‌اند؛ ۵. نوشته‌هایی که به نقش ساختارهای مذهبی ازجمله روحانیت در تدوین راهبرد و تاکتیک‌های حرکت انقلابی، بسیج و به صحنه آوردن توده‌ها اشاره نموده‌اند. (ملکوتیان، ۱۳۸۷: ۶۵ ـ ۴۴)

فرایند نظری انقلاب اسلامی ایران برآمده از پیدایش نگرشی سیاسی به اسلام در جامعه دین‌اندیش می‌باشد. چنین نگرشی در تکاپوی بیان تفسیر نوینی از حکومت با یاری‌جویی از یگانه الگوی سیاسی خود در صدر اسلام می‌باشد. این نگرش وامدار پدید آمدن مراحلی در روند اندیشه سیاسی اسلام در ایران بوده است که عالمان شیعی نقش‌آفرینی فراوانی در آفرینش آن داشته‌اند. شاید بتوان مهم‌ترین مراحل زمینه‌ساز بحث نظری انقلاب اسلامی در تکامل اندیشه سیاسی عالمان شیعه پس از تشکیل حکومت صفویه را پیروزی عقل در مبارزه عالمان اصولی با عالمان اخباری و سرانجام تحول اندیشه سیاسی عالمان شیعه در نهضت مشروطیت دانست. در یک برداشت کلی می‌توان پذیرفت که عالمان شیعه در نظریه‌های سیاسی خویش هیچ‌گاه حکومت‌های موجود را مشروع ندانسته‌اند و همواره از آنها به‌عنوان غاصب یاد نموده‌اند. لذا وجود امامت در اصول تشیع، باعث می‌شد که قاطبه علما در عمل، هیچ جایگزینی را برنتابند. (شیخ فرشی، ۱۳۹۷: ۱۳ ـ ۱۱)

تحلیل جنبه‌های نقش عالمان شیعی در پیدایش انقلاب اسلامی ایران، نیازمند جداسازی دو بخش سلبی و ایجابی این جنبش و تحلیل نظریه‌های سیاسی روحانیون در این دو قالب مشخص است. نظریه‌هایی که به خیزش و برانگیخته شدن جامعه ایران در برابر نظم موجود می‌پردازد و دیدگاهی را شامل می‌شود که رو در روی نظم سیاسی موجود قرار می‌گیرد و خواهان دگرگونی آن شده است.

(نظریه‌های سلبی) اما در زمینه ایجابی نظریه انقلاب اسلامی ایران در برگیرنده دیدگاه‌هایی می‌شود که درباره پایه‌گذاری نظم جدید سیاسی و تشکیل حکومت و نظم جدید اسلامی است. علمای شیعه تنها به نفی، سلب و براندازی حکومت و گفتمان پهلوی نپرداختند بلکه به فکر بسیج توده در راستای ایجاد نظمی جدید و حکومتی جایگزین نیز بودند که به‌عنوان حرکت ایجابی علمای شیعی در انقلاب اسلامی از آن یاد می‌شود. (همان: ۱۴) فرهنگ سیاسی شیعه، نوع نگرش و طرز برخورد شیعه با سیاست و قدرت سیاسی است که تحت تأثیر مبادی نظری، عقاید و باورها و سنت‌های شیعه، در متن تاریخ و حیات جمعی شیعیان شکل گرفته و تعیین‌کننده الگوهای کنش رفتاری آنان در پذیرش یا نفی حکومت‌ها می‌باشد. از مهم‌ترین این عناصر و مفاهیم باید از اصل امامت، انتظار و غیبت و اعتقاد به نامشروع بودن حکومت غیرمعصوم نام برد. همچنین از نمادهای مذهبی در فرهنگ شیعه باید به عاشورا اشاره نمود که بالقوه حاوی قدرت عظیمی در تحریک و بسیج مردم و دمیدن در روح مبارزه و انقلابی‌گری است. مطالعه دقیق سیر تاریخی شیعه و نگرش و موضع آن نسبت به قدرت، نشان می‌دهد که فرهنگ سیاسی شیعه به‌طور کلی در چارچوب سه الگوی کلی می‌گنجد: ۱. الگوی مسالمت ـ همکاری؛ ۲. الگوی انزوا؛ ۳. الگوی مقابله ـ انقلاب. (هنری و لطیف پور، ۱۳۷۹: ۲۷)

روش و مبانی نظری و نوع عملگرایی منحصربه‌فرد امام موسی صدر به پدیده انقلاب اسلامی که با تلفیق توأمان اندیشه و عمل، پیوند خورده است، تلاش وی درجهت تثبیت و استقرار انقلاب اسلامی، شناخت اندیشه، آرمان، اهداف و روش نظری و عمل این متفکر شیعی را قابل اعتنا و بررسی می‌نماید. در نگاه صدر هیچ‌گاه برنامه حکمرانی خوب یا دولت آسمانی، با وجود مدیران نالایق به مقصد نمی‌رسد. چنان‌که هیچ‌گاه از دل جامعه ناصالح، حکومت صالح برنمی‌خیزد. ازاین‌رو می‌توان دریافت که تأکید صدر بر انسان صالح، جامعه صالح و حکومت صالح به همدیگر گره خورده است. نمی‌توان جامعه صالحی داشت در حالی که هم‌زمان حکومت ناصالح است. نکته مهمی که می‌توان آن را عامل تکوین اندیشه امام موسی صدر در خصوص انقلاب اسلامی ایران دانست، همراهی و پیوند اندیشه و عمل او با انقلاب است. امام موسی صدر اندیشمندی است که اندیشه و عملش استواری با هم داشت و عمل او بر اندیشه‌اش مبتنی بود. (لک‌زایی، ۱۳۹۷: ۴۲)

بارزترین وجه مبانی نظری اندیشه انقلابی شهید مطهری، تئوریزه نمودن مبارزه با امپریالیسم، مارکسیسم، اندیشه‌های اومانیستی و ماتریالیستی و نظام و ساختار سیاسی حاکم بر ایران است. نگاه ایدئولوژیک، خوانش فلسفی، فقهی و کلامی این اندیشمند در تبیین مفهوم انقلاب اسلامی، علاوه بر ضدیت با امپریالیسم و مارکسیسم، نفی گفتمان حاکم بر دوران پهلوی را نیز شامل می‌شود. بر این اساس

پرسش اصلی این نوشتار عبارت است از اینکه عوامل مؤثر بر شکل‌گیری انقلاب اسلامی از منظر امام موسی صدر و شهید مطهری چیست؟

۱. پیشینه تحقیق

در رابطه با پیشینه این موضوع ـ در خصوص اندیشه دو متفکر اسلامی، شهید مطهری و امام موسی صدر، در خصوص مبانی نظری انقلاب اسلامی ایران ـ تاکنون پژوهش مستقلی صورت نگرفته است. در رابطه با اندیشه شهید مطهری دو کتاب با عناوین ***پیرامون انقلاب اسلامی*** و ***پیرامون جمهوری اسلامی*** توسط استاد مطهری به رشته تحریر درآمده است که مبانی نظری انقلاب در اندیشه سیاسی این متفکر انقلابی، به‌طور مبسوطی بیان شده است. شهید مطهری در کتاب ***نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر*** نیز ماهیت و هدف نهضت انقلاب اسلامی ایران را شرح داده است. ایشان در کتب دیگری با عناوین: ***خدمات متقابل ایران و اسلام، جامعه و تاریخ، جهاد، مسئله شناخت، آینده انقلاب اسلامی، علل گرایش به مادی‌گری، قیام و انقلاب مهدی، جامعه و تاریخ، نقدی بر مارکسیسم، احیای تفکر اسلامی، جهان‌بینی الهی و جهان‌بینی مادی، حماسه حسینی، زن و مسائل قضائی و سیاسی، نامه‌ها و ناگفته‌ها*** و تعدادی دیگر از آثار خود، به شکل تلویحی به مبانی نظری انقلاب اسلامی ایران اشاره نموده‌اند. همچنین در زمینه اندیشه و مبانی نظری انقلاب اسلامی امام موسی صدر، شریف لکزایی کتابی با عنوان ***درآمدی بر اندیشه سیاسی امام موسی صدر*** را به رشته تحریر در آورده که در آن به مبحث دولت، حکومت و وجه انقلابی در اندیشه امام موسی صدر پرداخته شده است. کتاب دیگری نیز با عنوان ***پیشوایی فراتر از زمان*** توسط دکتر محمود سریع القلم با پرداختن به نظام فکری و سیره عملی امام موسی صدر نگاشته شده است. سایر پژوهشگران نیز مقالاتی در خصوص اندیشه انقلابی امام موسی صدر منتشر نموده‌اند که مقاله‌های: ***نقش امام موسی صدر در فرایند پیروزی انقلاب اسلامی*** نوشته محمد آگاه و سیدعباداله هاشمی، ***امام موسی صدر و وحدت اسلامی*** نوشته محمد جواد اخگری، ***امام موسی صدر احیاگر دین*** نوشته مهدی فرخیان، ***آشنایی با امام موسی صدر از پیشگامان بیداری اسلامی*** نوشته راهب عارفی مینا آباد و ***مبانی نظری و روش‌های عملی امام موسی صدر در ایجاد وحدت ملی،*** نوشته معصومه عبدلی و همکاران، از آن دسته‌اند. در این پژوهش نیز سعی بر آنست تا در حد وسع و توان به مبانی نظری اندیشه انقلابی این دو متفکر انقلاب اسلامی، سطوری افزوده شود. ویژگی این تحقیق که در سایر پژوهش‌ها اشاره مستقیمی بدان‌ها نشده است، تأکید بر اثبات و ایجاب در مبانی نظری انقلاب اسلامی در اندیشه امام موسی صدر و سلب و نفی سایر گفتمان‌هایی که نسبتی با گفتمان انقلاب اسلامی ندارند، در اندیشه شهید مطهری می‌باشد.

۲. مبانی نظری انقلاب اسلامی در اندیشه امام موسی صدر

نوع نگاه و عمل منحصربه‌فرد امام موسی صدر به پدیده انقلاب اسلامی ـ که با اندیشه و عمل این اندیشمند انقلاب پیوند خورده است ـ تلاش وی در به ثمر نشستن انقلاب اسلامی، همراه با تلفیق اندیشه و عمل، این متفکر شیعی را از سایرین متمایز ساخته و ارزش پرداختن به این مقوله را آشکار می‌سازد. مبانی نظری اندیشه انقلابی امام موسی صدر از این جهت حائز اهمیت و توجه است که تاکنون تحقیق و پژوهش مستقلی در این باب صورت نگرفته است و با عنایت به تأثیرگذاری وی در بستر فعالیت‌های انقلابی در ایران، شناخت عناصر این تأثیرگذاری مثمر ثمر و مفید است.

۲ـ۱. حکومت مطلوب از نگاه صدر

آنچه از گفتارهای صدر می‌توان درباره ویژگی‌های حکومت مطلوب دریافت، مجموعه مباحثی است که ایشان در نقد حکومت بنی‌امیه ـ با عنوان حکومت نامطلوب ـ یاد کرده است. در تحلیل امام موسی صدر می‌توان به عناصری مانند رضایت و مخالفت مخالفان پی‌برد و حکومت مطلوب وی را نقطه مخالف چنان حکومتی به‌شمار آورد. ازاین‌رو اولین اصل از نظر صدر آن است که رضایت مردم تأمین شود و رضایت، مؤلفه اصلی و کلیدی در هر حکومتی است. از سوی دیگر، به اعتقاد ایشان، نمی‌توان با زور شمشیر بیعت ستاند، بیعت با حاکم بایستی با رضایت باشد. (همان: ۳۰۹) امام موسی صدر با تبیین ویژگی حکومت نامطلوب، ابعاد و نشانه‌های دیگری از حکومت مطلوب خویش را ترسیم می‌کند. از نظر ایشان، وراثتی بودن حکومت، یکی دیگر از این خصوصیات نامطلوب است زیرا حکومت پادشاهی را از خود به ارث می‌گذارد و آن را مادام‌العمر می‌کند. (امام موسی صدر، ۱۳۹۴: ۱۶۴)

امام موسی صدر، وراثتی بودن حکومت را به‌عنوان یکی از پایه‌های تشکیل حکومت پادشاهی نمی‌پذیرد. بنابراین استقلال و آزادی جامعه را در گروی مشارکت آحاد افراد جامعه در جهت نیل به مسیر تعیین سرنوشت توسط خود آنها ارزیابی می‌کند از نظر ایشان جامعه‌ای که واجد آزادی و استقلال باشد، توانایی تأسیس حکومت را دارد و می‌تواند سرنوشت خویش و جامعه را تعیین کند. وی با چنین رویکردی عملاً مشروعیت و تداوم حکومت پهلوی را در نزد افکار عمومی بر پایه استقلال و آزادی، رأی مردم و اصل انتخاب، به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین حقوق اساسی یک ملت، مورد چالش و هجمه قرار می‌دهد.

۲ـ۲. نفی حکومت پادشاهی و موروثی

امام موسی در رأس نظریه حکومت خود، روش انتخاب آگاهانه و مشارکت مردمی را برمی‌گزینند. ایشان با استناد به گفتار امام حسین علیه‌السلام که می‌فرمایند: «به حق عمل نمی‌شود و از باطل بازداشته نمی‌شود»

نتیجه می‌گیرد که حاکم وقت، حقوق مردم را غصب کرده است. از نظر صدر، غصب کردن حکومت مورد قبول نیست و رضایت مردم نیاز است و در ادامه نیز نفی موروثی بودن حکومت را عنوان می‌کند. (امام موسی صدر، ۱۳۹۱: ۱۶۴) ایشان در خصوص باطل بودن حکومت غصبی به یک نمونه تاریخی اشاره می‌کند: حکومت بنی‌امیه با غصب به کاری باطل پرداخته است و ابتدایی‌ترین مسئله در حکومت‌داری را رعایت نکرده است، زیرا با شمشیر و زور بیعت را بر مردم تحمیل می‌کند، در نتیجه این مسئله طبعاً رضایت مردمی را درپی ندارد. (همان)

آنچه که امام موسی صدر در مورد حکومت بنی‌امیه عنوان می‌دارد، نشان می‌دهد که وی به‌هیچ‌وجه روند انتقال قدرت و موروثی بودن حاکمان را نمی‌پذیرند و رضایت مردم را اصل می‌دانند که همانا دوری از غصب حکومت است. وی در خصوص حکومت بنی‌امیه معتقد است: «به حق عمل نمی‌شود و از باطل بازداشته نمی‌شود». بیعت به مردم تحمیل شده و اطاعت خود را بر مردم واجب ساخته است و این رویه رضایت مردمی درپی ندارد. (امام موسی صدر، ۱۳۹۱: ۱۶۴) به عقیده ایشان رضایت مردمی و بیعت مردم با حاکم در صدر آموزه‌های دینی و اسلامی است و عدم توجه حاکم و حکمران بدان، حکومت را از زمره حکومت و حکمرانی دینی خارج و باطل می‌سازد. نقد دیگر امام موسی صدر بر وراثتی بودن حکومت است که امام موسی صدر بیم از آن دارد که مبادا این نوع حکومت وراثتی و موروثی، مادام‌العمر گردد و نقش مردم را به حاشیه براند. او در نگاه خویش به حکومت و انتخاب حاکمان، بر ویژگی‌های دولت مدرن ازجمله محدود بودن زمان قدرت یعنی دوره‌ای بودن، غیرموروثی بودن، موقتی بودن و تأکید بر انتخاب مردمی تأکید دارد. از موارد مورد تأکید صدر در این باب می‌توان دریافت که وی بر دخالت آحاد جامعه در تعیین و نصب حاکم و همچنین دخالت در انتخاب حاکمان و آزادی انتخاب بدون تحمیل ویژگی‌های یک حکومت از پیش تعیین‌شده، پافشاری می‌کند. (لکزایی، ۱۳۹۷: ۳۰۹)

۲ـ۳. آزادی و ضرورت آن

آزادی در اندیشه صدر تبلور ویژه‌ای دارد. وی در مورد آزادی می‌گوید:

> آزادی برترین ابزار برای بهره‌برداری از نیروهای وجودی انسان است. آدمی در جامعه‌ای که آزاد نباشد، قدرت خدمت ندارد و اگر آزادی نداشته باشد، نمی‌تواند تمام نیروهای خویش را به‌کار ببرد و همه موهبت‌ها را پرورش دهد. پس آزادی بهترین وسیله برای به‌کارگیری نیروهای درونی فرد در خدمت به جامعه و نشانه کرامت انسانی و خوش‌گمانی به انسان است. در حالی که فقدان آزادی نشانه بدگمانی به انسان و کاستن از کرامت اوست. (امام موسی صدر، ۱۳۸۴: ۱۹ ـ ۱۸)

وی در خصوص فقدان آزادی معتقد است:

> فقدان آزادی در زندگی، انسان را به پیروی از محدودیت‌های اعمال شده غاصبان آزادی وامی‌دارد و در نتیجه هم فرد و هم جامعه به محدودیت و کوته‌فکری کشیده می‌شوند. (همان)
>
> به اعتقاد صدر تنها کسی آزادی را محدود می‌کند که فطرت آدمی کافر باشد. روش‌های سلب آزادی در نگاه صدر از استبداد تا استعمار، نظام ارباب ـ رعیتی، تروریسم فکری، تحمیل اراده بر افراد و ملت‌ها و سلب آگاهی را در برمی‌گیرد. (فانوس: بی‌تا)

با چنین تعبیری از صدر در باب آزادی، می‌توان دریافت که استبداد نظام پهلوی به‌عنوان مانع آزادی مردم ایران در برپایی نظامی مردمی، می‌بایست از میان برداشته شود تا زمینه مشارکت آحاد افراد جامعه در سرنوشت خویش فراهم گردد. امام صدر برای برون‌رفت از این وضعیت، با تلفیق نظر و عمل می‌گوید: «آنگاه انسان در برابر این محدودیت تحمیلی، ایستادگی می‌کند و همه به حکم ایمانی خویش به کمک او می‌شتابیم. (همان) تأکید امام صدر به شورش بر علیه وضع موجودی است که در سایه حکومت پهلوی و سلب آزادی از طرف آن بوجود آمده است.

۲ـ۴. ندای پیامبران؛ استمرار خط انبیا

امام موسی صدر با تأکید بر وجوب، ایجاب و اثبات مبانی نظری انقلاب اسلامی، سعی در تکوین نظریه خویش براین اساس دارد. قالب تئوریک اندیشه سیاسی و انقلابی امام موسی صدر «ندای انبیاء» نام دارد و بر مدار خرده گفتمان اسلام ایدئولوژیک شیعی انقلاب اسلامی ایران استوار است. وی با بیان تعریف خویش از انقلاب اسلامی در قالب «ندای پیامبران» سعی نمود قالبی معنوی از آن ارائه نماید که در استمرار خط انبیاء قرار می‌گیرد. عناصر، دقایق و مؤلفه‌هایی که امام موسی صدر برای انقلاب اسلامی بیان می‌کند، شامل عناصر حرکت انبیاء در طول تاریخ است که بر مؤلفه‌هایی چون: رهایی، حرکت ارشادی، جذب، رحمت، تعامل، وحدت، بیداری، آگاهی‌بخشی، مشروعیت‌بخشی، اجماع، کارآمدسازی جبهه انقلابی و امید به آینده استوار بوده و این رویکرد امام موسی صدر به تأسی از حرکت پیامبران، مبتنی بر قدرت نرم و جنبه ایجابی پیام‌آوران الهی بوده است. عزم وی در این زمینه تلاش در جهت ایجاب حق بوده تا نفی و سلب باطل. امام موسی صدر در این زمینه در مقاله منتشر شده از وی در روزنامه لوموند می‌گوید:

> ... موجی که امروز ایران را درمی‌نوردد، پیش از هر چیزی «ندای انبیاء» را در ذهن‌ها زنده می‌سازد .... این اهداف بیانگر اصالت حرکت و ابعاد قوی و رهایی‌بخش آن هست.

امام موسی صدر تلاش‌های زیادی در جهت شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران داشت. (هاشمی و آگاه، ۱۳۹۸: ۲۱۱)

۲ـ۵. ضرورت حاکمیت و ویژگی‌های حکمران صالح

امام صدر در اندیشه سیاسی و مبانی نظری انقلاب خود در خصوص حکمرانی و حکومت انسان آسمانی، صرفاً به شیوه‌های حکومت و حکمرانی بسنده نمی‌کند بلکه به ویژگی‌های حکمران، نگاهی ویژه دارد. وی معتقد است:

> مرحله طرح‌ریزی تنها در صورتی کامل می‌شود که در مرحله اجرا، سازگار و هماهنگ باشد، اگر آموزه‌های آسمانیِ پاک و پارساگونه را به‌دست حاکم منحرف هواپرست و دربند شهوت بدهیم، چگونه آنها را اجرا می‌کند؟ حکم پاک الهی و آسمانی را در چارچوب خصلت‌های زمینی و تمایلات شخصی و مادی خود اجرا می‌کند. (امام موسی صدر: ۱۳۹۷: ۱۳۳ ـ ۱۳۲)

به عقیده صدر، با حضور انسان آسمانی و لایق، حکمرانی مطلوب به منصه ظهور می‌رسد. صدر بر سه مفهوم انسان صالح، جامعه صالح و حکومت صالح تأکید دارد و برای دستیابی به حکومت صالح، درپی نشاندن انسان آسمانی صالح در رأس حکومت است. آنچه امام صدر می‌کوشد تا براساس آن حکومت را اصلاح کند، همانا حکومت حاکم صالح است. از نظر وی حکومت صالح مهم‌ترین عامل برپایی جامعه صالح است. (امام موسی صدر، ۱۳۸۴: ۱۷۲) صدر می‌گوید: حکومت باید به آسمان نزدیک شود و آنگاه به همه نگاه آسمانی داشته باشد. لذا وی با این نوع نگاه همواره با حکومت پهلوی نسبتی برقرار نمی‌کند و طبیعتاً درپی تکوین اندیشه سیاسی خود و پیاده‌سازی آن در بستر سیاسی انقلاب اسلامی است.

۲ـ۵ـ۱. انسان آسمانی؛ زمینه‌ساز حکومت آسمانی

امام موسی صدر در رابطه با انسان آسمانی به‌عنوان زمینه‌ساز حکومت آسمانی معتقد است که اصل ولایت امکان شکل‌گیری جامعه صالح را فراهم می‌کند و می‌گوید:

> به هیچ چیز به اندازه ولایت تأکید نشده است. ولایت تنها جنبه تاریخی ندارد و مسئله‌ای همیشگی است. (امام موسی صدر، ۱۳۹۸: ۱۱۵)

امام موسی صدر با برشمردن ویژگی‌های امیرمؤمنان علی‌ﷺ و تبیین واقعه غدیر، اشاره به پویایی رهبری و ولایت علی‌ﷺ، الگوی انسان آسمانی خویش برای برپایی حکومت آسمانی را ارائه می‌دهد و آموزه‌هایی مانند عدالت و آزادی را مختصات حکومت وی قلمداد می‌نماید. به اعتقاد امام صدر، انسانی که

در ساحت فردی به آسمان نزدیک شده و عدالت و حق‌طلبی را در وجود خود محقق نموده، از توانایی اجرای عدالت و طراحی این فضیلت مهم در سطح جامعه و حکومت برخوردار است. (همان) با این تعبیر از انسان و حاکم آسمانی، طبیعتاً امام موسی صدر، حضور فردی فارغ از این ویژگی‌ها را در رأس حکومت و حاکمیت برنمی‌تابد و درپی نشاندن انسان آسمانی در رأس حکمرانی جامعه است .

۲ـ۶. ضرورت حضور آحاد مردم

آنچه از نظر صدر درباره حکومت مطرح می‌شود، نمی‌تواند فارغ از حضور مردم و انتخاب آنان باشد. وی جامعه را محصول تعامل و داد و ستد میان مردم می‌داند، بنابراین تأسیس حکومت از نظر وی نیز چنین است و باید از ضرورت حضور مردم و تأثیر اراده آنان در تعیین نوع حکومت سخن به میان آورد. (همان) بنابراین با ویژگی‌های نظام سیاسی پهلوی که عاری از حضور و مشارکت مردمی در تعیین سرنوشت و انتخاب حاکمان است، می‌توان دریافت که وی به جد درپی ایجاد ساختاری نو و مردم‌سالارانه در رأس حاکمیت سیاسی ایران می‌باشد و رویکرد و اندیشه خود را به این موضوع معطوف ساخته است.

جدول شماره ۱

مبانی نظری انقلاب اسلامی در اندیشه امام موسی صدر

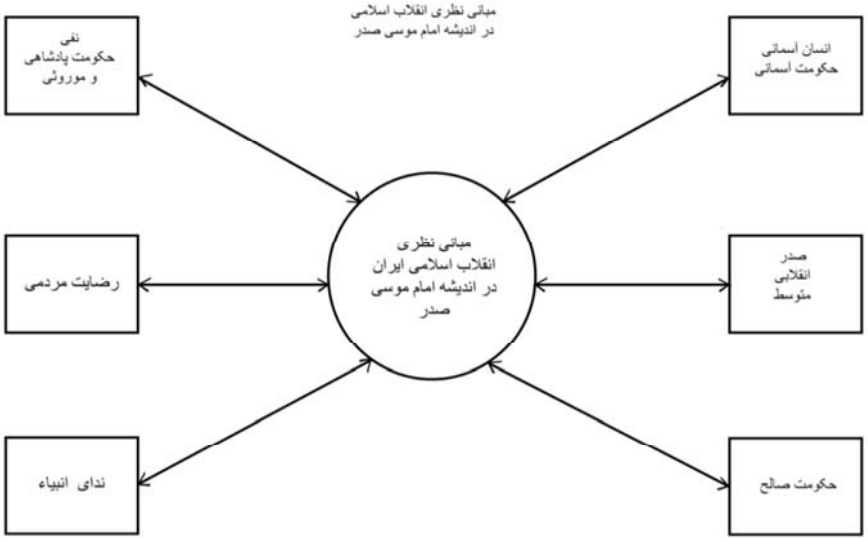

۳. مبانی نظری انقلاب اسلامی در اندیشه شهید مطهری

۳ـ۱. مفهوم انقلاب

استاد مطهری در کتاب ***پیرامون انقلاب اسلامی*** انقلاب را طغیان و عصیان مردم یک ناحیه جغرافیایی و یا یک سرزمین، علیه نظام حاکم مستقر موجود برای ایجاد نظمی مطلوب می‌داند. وی معتقد است که

تنها آن ایدئولوژی می‌تواند مفید و انقلابی و راهگشا باشد که عنصر انکار و نفی و طرد در متن تعلیماتش قرار گرفته باشد. فرق اسلام و مسیحیت در همین‌جاست که اسلام مشتمل بر جهاد و امربه‌معروف و نهی از منکر است که عنصر شورش و هجوم بر وضع موجود است و مسیحیت فقط دم از صلح و سازش با هر وضعی می‌زند.» (مطهری، ۱۳۷۵: ۲۹)

۳ـ۱ـ۱. ریشه انقلاب

به نظر شهید مطهری ریشه انقلاب دو چیز است: یکی نارضایتی و خشم از وضع موجود و دیگر آرمان یک وضع مطلوب. شناختن یک انقلاب یعنی شناخت عوامل نارضایتی و شناخت آرمان مردم. انقلاب با ماهیت اعتقادی و ایدئولوژیک یعنی مردم جامعه هرگاه مکتب، آرمان و ارزش‌های جامعه خود را در معرض آسیب ببینند، برای حفظ ارزش‌ها و آرمان‌های مکتبی خود دست به انقلاب می‌زنند. در این نوع نگاه، حیات طیبه و حفظ اصول ارزش‌های انسانی و استقرار و مستقر نمودن یک نظام الهی و اخلاقی و مکتبی اصل است و سایر تعلقات مادی و دنیوی ازجمله مسایل اقتصادی و آزادی و حقوق بشری در درجات بعدی است. (مطهری، ۱۳۸۴: ۵۲)

۳ـ۲. ماهیت انقلاب اسلامی

استاد مطهری در بیان ماهیت و نوع انقلاب اسلامی ایران، نظرات مبسوطی ارائه نموده است. « تحلیل‌گران و نظریه‌پردازان انقلاب عوامل گوناگونی را برای انقلاب‌ها بیان می‌کنند، عده‌ای علل مادی و اقتصادی، افرادی دیگر علل آزادی‌خواهانه و لیبرالیستی و اندیشمندانی نیز عامل معنویت، اعتقادات و نگرش الهی را عنوان می‌نمایند. شهید مطهری یک دیدگاه همه‌جانبه را مطرح می‌کند و معتقد است که هر سه عامل اقتصادی، آزادی‌خواهی و معنویت باوری و اعتقادی در بروز انقلاب اسلامی ایران نقش ایفا می‌کند. ماهیت انقلاب اسلامی از بسیاری از انقلاب‌های اصیل در تاریخ اصیل‌تر است. در این انقلاب، توده مردم یک سرزمین، اکثریت افراد یک ملت، از زن و مرد و پیر و جوان، با دست خالی، اما با روحیه انقلابی علیه یک رژیم قدرتمند قیام کردند و به پیروزی رسیدند». (مطهری، ۱۳۷۵: ۳۰)

۳ـ۲ـ۱. عوامل پیروزی انقلاب اسلامی ایران

به نظر استاد مطهری در ایران انقلابی رخ داده و برای بررسی عوامل پیروزی آن می‌توان چند عامل را بررسی کرد:

الف) بررسی کیفیت رهبری؛ ب) حمل‌کنندگان انقلاب؛ ج) ریشه‌های وقوع

الف) بررسی کیفیت رهبری

واقعیت این است که گروه‌های زیادی تلاش کردند تا رهبری نهضت را به عهده بگیرند، ولی موفقیتی کسب نکردند و رهبر خودبه‌خود انتخاب شد. چه شد که جامعه امام خمینی (ره) را به رهبری برگزید؟ امام خمینی به این علت رهبر بلامعارض انقلاب شد که علاوه بر این‌که دارای شرایط و مزایای یک رهبر مانند صداقت، شجاعت، روشن‌بینی و قاطعیت بود، در مسیر فکری، روحی و نیازهای مردم ایران قرار داشت. (همان: ۵۱ ـ ۵۰)

ب) حاملان انقلاب

پرچم انقلاب را چه کسانی به دوش کشیدند؟ آیا یک طبقه یا همه مردم؟ تردیدی نیست که این انقلاب گسترده و فراگیر، شامل همه طبقات و گروه‌ها بود. حتی گروه‌های محروم که در تظاهرات شرکت می‌کردند نیز اصرار داشتند تا بگویند که تظاهرات ما به خاطر کمی مزد و حقوق نیست و برای اجرای احکام اسلام است. آنها برای خود ننگ و عار می‌دانستند که بگویند انقلاب ما جنبه رفاهی و مادی دارد. اینکه روحانیت شیعه توانسته در طول تاریخ منشأ حرکت‌های بزرگ بشود، دو دلیل عمده داشته:

۱. ویژگی خاص فرهنگ روحانیت؛ خود فرهنگ شیعی یک فرهنگ زنده و حرکت‌زا و انقلاب آفرین است. این فرهنگ از روش علی‌ﷺ و اندیشه‌های او تغذیه می‌کند. فرهنگی است که در تاریخ خود عاشورا را دارد. صحیفه سجادیه و دوره امامت و عصمت دویست و پنجاه ساله دارد. هیچ‌یک از فرهنگ‌های دیگر چنین عناصر و حرکت‌زایی در خود ندارند.

۲. روحانیت شیعه از ابتدا اساسش مخالفت با قدرت‌های سلطه‌گر حاکم بوده است؛ روحانیتی که از دولت مستقل است. (همان: ۱۴۰)

ج) ریشه‌های وقوع انقلاب

آن عامل تعیین‌کننده‌ای که همه عوامل دیگر را دربر گرفت و توانست همه طبقات را به‌طور هماهنگ در مسیر واحد منقلب کند، جریحه‌دار شدن عواطف اسلامی این مردم بود. به نظر شهید مطهری در رژیم پیشین جریان‌هایی به شرح زیر در کشور رخ داد که بر ضد اهداف عالیه اسلامی و در جهت مخالف آرمان‌های مصلحان کشور بود: استبداد خشن و سلب آزادی‌ها، نفوذ استعمار نو، دور نگه داشتن و بیرون کردن دین از صحنه سیاست، تلاش برای بازگرداندن ایران به جاهلیت قبل از اسلام و میراندن شعارهای اسلامی، تحریف میراث گران‌قدر اسلامی، تبلیغ و اشاعه مارکسیسم، کشتارهای بی‌رحمانه، زندان، شکنجه و تبعیدهای غیرقانونی، تبعیض و افزایش روز افزون شکاف طبقاتی علی‌رغم ادعای اصلاحات، تسلط عناصر غیرمسلمان بر مسلمان در دولت و ادارات، نقض آشکار قوانین و مقررات دین مبین اسلام،

مبارزه با ادبیات فارسی اسلامی که حافظ و نگهبان روح اسلامی ایران است به نام مبارزه با واژه‌های بیگانه، قطع رابطه با کشورهای اسلامی و برقرار کردن ارتباط با دولت‌های غیر مسلمان مانند اسرائیل و امریکا. (مطهری، ۱۳۶۵: ۷۴ ـ ۷۲) شهید مطهری علاوه بر برشمردن علل و عوامل اصلی پیروزی انقلاب اسلامی ـ ازجمله اسلام و ارزش‌های والای آن، رهبری مورد قبول و پذیرش آحاد مردم و جامعه ـ اسلام‌زدایی نظام پهلوی و مقاومت امت اسلامی در برابر آن را به‌عنوان مهم‌ترین ریشه‌های این حرکت عظیم ملت ایران اسلامی بیان می‌نمایند.

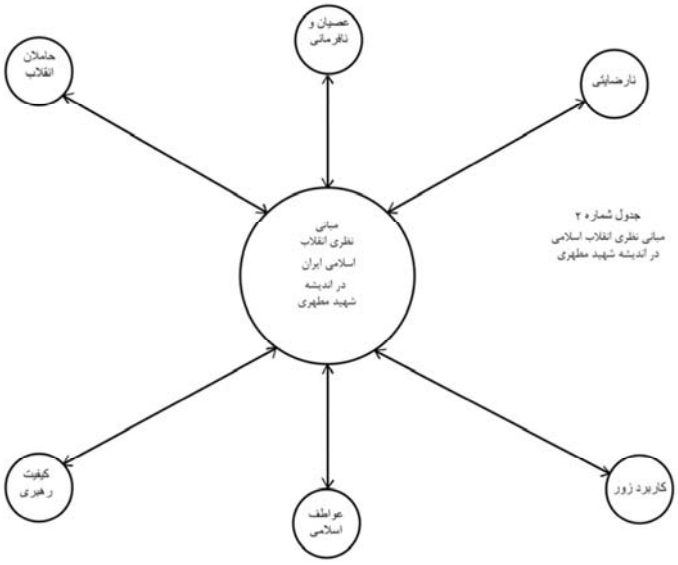

جدول شماره ۲
مبانی نظری انقلاب اسلامی در اندیشه شهید مطهری

۴. اشتراکات و تمایزات مبانی نظری دو اندیشمند انقلاب اسلامی

اندیشمندان و علمای شیعه در ارائه مبانی نظری خویش در باب تحولات سیاسی و اجتماعی، همواره بر نکات مشترکی تأکید داشته‌اند. البته در برخی موارد نیز تفاوت‌هایی وجود داشته که مربوط به مباحث فرعی بوده و در مسائل پایه‌ای و اصلی نبوده است. اندیشه سیاسی و مبانی نظری انقلاب اسلامی در دیدگاه دو اندیشمند انقلاب اسلامی یعنی امام موسی صدر و شهید مطهری دارای وجوه مشترک و تشابهات بسیاری است و این مسئله به‌دلیل تعلق این دو اندیشمند به گفتمان شیعی انقلاب اسلامی است. البته تفاوت‌هایی نیز در مبانی ارائه شده توسط ایشان وجود دارد که بیشتر در روش و نوع مواجهه در مباحث انقلاب اسلامی است.

۴ ـ۱. وجوه تشابه ساختاری مبانی نظری انقلاب اسلامی در اندیشه امام صدر و شهید مطهری

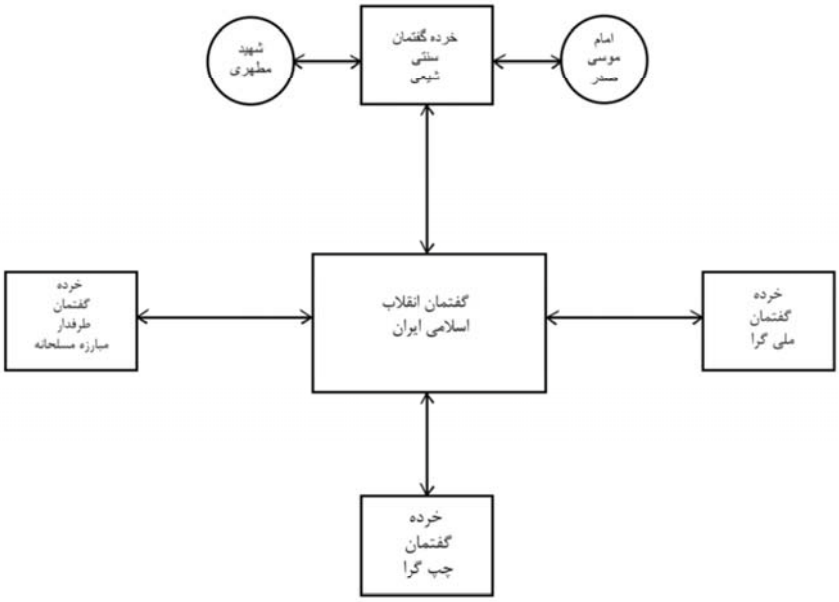

جدول شماره(۳): گفتمان انقلاب اسلامی ایران

۴ـ۲. تعلق به گفتمان شیعی سنتی انقلاب اسلامی

علاوه بر تلفیق اندیشه و عمل به‌عنوان یکی از ویژگی‌های مشترک و بارز اندیشه دو اندیشمند انقلاب اسلامی در خصوص مبانی نظری انقلاب اسلامی، یکی دیگر از وجوه تشابه اندیشه امام موسی و شهید مطهری را بایستی در حضور ایشان در گفتمان سنت‌گرایی ایدئولوژیک انقلاب اسلامی جستجو نمود.

گفتمان اسلام‌گرایی انقلاب اسلامی، گفتمانی بود که با برخورداری از مؤلفه‌های متعدد نظام صدقی جامعه ایرانی، توانست ضمن کسب مقام استعلایی در میان سایر خرده گفتمان‌های انقلاب اسلامی ایران، بر گفتمان پهلویسم غلبه و استیلا پیدا کند و به‌صورت‌بندی نظام سیاسی جدید در ایران معنی بخشد. این گفتمان به موازات سایر خرده گفتمان‌هایی که خمیر مایه بیشتر آنها غیرمذهبی بود، جریانی انقلابی بود که ریشه در اسلام داشت و از محتوای دین اسلام برگرفته شده بود. ایدئولوژی اسلامی، رهبری امام خمینی و حضور روحانیت شیعی از عناصر و مؤلفه‌های هویتی آن بود. (خوشروزاده، بی‌تا: ۸۱ ـ ۷۱) در کنار گفتمان سنت‌گرایی انقلاب اسلامی، خرده گفتمان‌های انقلابی ملی‌گرا، خرده گفتمان انقلابی چپ‌گرا و خرده‌گفتمان طرفدار مبارزه مسلحانه حضور داشتند. در این بستر، در نهایت این گفتمان اسلام‌گرای شیعی بود که با جذب و هضم سایر خرده گفتمان‌ها به موقعیت برتر دست یافت. از دلایل

برتری این گفتمان می‌توان به میزان انطباق با نظام صدقی جامعه، عناصر و مؤلفه‌های مشترک و مترقی اسلامی و نقش رهبری امام خمینی اشاره نمود. (همان)

۴ـ۳. وجوه تشابه محتوایی مبانی نظری انقلاب اسلامی در اندیشه امام صدر و شهید مطهری

٤ـ۲ـ۱. نفی نظام موروثی و حکومت پهلوی

امام موسی صدر نظام مبتنی بر رضایت مردمی با بهره‌گیری از فرایند انتخاب و دوره‌ای، محدود و دارای اختیارات معقول برای حاکم را برای حکمرانی ارائه می‌کند و از فحوای کلامش می‌توان چنین برداشت کرد که نظام پادشاهی موروثی را برنمی‌تابد و طبیعتاً نظام پهلوی و استقرار شاهنشاهی در کشور براساس نظریات وی پذیرفتنی نیست و از طرق نظری و عملی سعی در ایجاد تغییر، دگرگونی و ایجاد نظم جدید دارد. شهید مطهری نیز معتقد است که نظام شیعی یک فرهنگ زنده و حرکت‌زا و انقلاب آفرین است. این فرهنگ از روش علی‌ﷺ و اندیشه‌های او تغذیه می‌کند. فرهنگی است که در تاریخ خود عاشورا را دارد. صحیفه سجادیه و دوره امامت و عصمت دویست و پنجاه ساله دارد. هیچ‌یک از فرهنگ‌های دیگر چنین عناصر و حرکت‌زایی در خود ندارد. دلیل دوم اینکه روحانیت شیعه از ابتدا اساسش مخالفت با قدرت‌های سلطه‌گر حاکم بوده است؛ روحانیتی که از دولت مستقل است.

٤ـ۲ـ۲. نگاه الهی و معنوی به انقلاب اسلامی

یکی از وجوه تشابه دیدگاه دو اندیشمند انقلاب اسلامی، نگاه الهی و معنوی به وقوع انقلاب اسلامی ایران است. امام موسی صدر با انتشار مقاله « ندای انبیاء » در نشریه بین‌المللی لوموند به بیان نگاه عمیق معنوی و الهی خویش در رابطه با وقوع انقلاب اسلامی ایران می‌پردازد. وی با بیان تعریف خویش از انقلاب اسلامی در قالب «ندای پیامبران» سعی نمود تا قالبی معنوی از آن ارائه نماید. عناصر، دقایق و مؤلفه‌هایی که امام موسی صدر برای انقلاب اسلامی بیان می‌کند، شامل عناصر حرکت انبیاء در طول تاریخ است که بر مولفه‌هایی چون: رهایی، حرکت ارشادی، جذب، رحمت، تعامل، وحدت، بیداری، آگاهی‌بخشی، مشروعیت‌بخشی، اجماع، کارآمدسازی جبهه انقلابی، امید به آینده و... استوار بوده و این رویکرد امام موسی صدر به تأسی از حرکت پیامبران، مبتنی بر قدرت نرم و جنبه ایجابی پیام‌آوران الهی بوده است که امام سعی دارد در نظریه انقلاب اسلامی خود پیاده‌سازی نماید.

شهید مطهری نیز در کتاب ***نهضت‌های صد ساله اخیر*** با اشاره به مفهوم خودآگاهی الهی، دیدگاه خویش را در خصوص انقلاب اسلامی این‌گونه بیان نموده است:

این نهضت نهضتی است از تیپ نهضت پیامبران، یعنی برخاسته از خودآگاهی الهی

و یا خودآگاهی. این خود ریشه‌اش در اعماق فطرت بشر است. از ضمیر باطن سرچشمه می‌گیرد. هرگاه تذکری پیامبرانه شعور فطری بشر را به خالق و آفریدگارش، آن احساسی که پیامبران در انسان بیدار می‌کنند، یعنی احساس خداجویی، خداپرستی که در فطرت هر فرد نهفته است و او را جویای تعالی و متنفر از کاستی و پستی در هر شکل و هر مظهر می‌کند، به انسان ایده می‌دهد، او را طرفدار حق و حقیقت از آن جهت که حق و حقیقت است می‌نماید و دشمن باطل و پوچی می‌کند و عدالت، برابری، راستی و درستی از آن جهت که ارزش‌های خدایی هستند، خود به‌صورت هدف و مطلوب درمی‌آیند. انسانی که بیداری خدایی پیدا می‌کند، طرفدار عدل است، دشمن ظلم است و طرفداری‌اش از عادل و دشمنی‌اش با ظالم، از عقده‌های روانی و شخصی ناشی نمی‌شود، اصولی و مسلکی است. (مطهری، ۱۳۶۵: ۶۵ ـ ۶۳)

۴ـ۴. وجوه افتراق

٤ـ۳ـ۱. حرکت اصلاحی و تدریجی، حرکت دفعی و براندازانه

در مبانی نظری انقلاب اسلامی از نگاه امام صدر، علاوه بر رویکرد عقلانی و فرهنگی که در سطوح داخلی و بین‌المللی با بهره‌گیری از ابزارهای اقناع افکار عمومی ازجمله رسانه، سخنرانی، دیدار و گفتگو پیوند خورده است، (هاشمی و آگاه، ۱۳۹۸: ۲۱۳) اعتقاد به حرکت دفعی، قاطع و براندازانه نیز مشهود است. وی با تأسی به حرکت و قیام اصلاحی امام حسین علیه‌السلام معتقداست که ما بایستی به اثرگذاری در جامعه مطابق با رویه امام حسین علیه‌السلام عمل کنیم و با حرکت از وضعیت ناکارآمد و نامطلوب جامعه به سمت اصلاح گام برداریم و در راه امام شهید گام برداریم تا به نگاه آرمانی خود از وضع جامعه برسیم. این رویکرد را می‌توانیم انقلاب و یا اصلاح قلمداد نماییم. وی معتقداست که جامعه اسلامی بایستی با رویه‌ها و جریاناتی که به‌عنوان مانع و مخالف آرمان‌ها و آمال جامعه است، مقابله نماید. (امام موسی صدر، ۱۳۹۱: ۶۶ ـ ۶۲)

٤ـ۳ـ۲. روش‌ها و رویکردها

یکی از وجوه افتراق و تفاوت اندیشه امام موسی و شهید مطهری، روش‌شناسی اندیشه دو اندیشمند در مواجهه با بیان مبانی نظری انقلاب اسلامی است. روش‌شناسی امام موسی صدر با عنایت به تلاش در جهت اثبات و ایجاب اندیشه انقلابی خویش، از نوع ذهنی و نوع نگاه شهید مطهری عینی و سلب و نفی در رد اندیشه‌های سایر مکاتب و گفتمان‌هاست. در این باب، روش امام موسی صدر بر جنبه‌های

ایدئالیستی و ذهنی تأکید بیشتری دارد و شهید مطهری بر روش رئالیستی و عینی اهتمام دارد. شهید مطهری با صراحت و شفافیت و قاطعیت به نقد گفتمان حاکم و خرده گفتمان‌های انقلاب می‌پردازد و امام موسی صدر در جهت اقناع، اثبات و ایجاب حق و نظریه انقلاب برمی‌آید.

مفهوم حکومت صالح و برپایی آن از اساسی‌ترین مفاهیم مبانی نظری امام صدر به‌حساب می‌آید. وی آن را از دو منظر سیاسی و فقهی، با مبنا قرار دادن احادیث، سیره امام علی‌ﷺ و بهره‌گیری از ریشه‌های نبوی آن یعنی انسان آسمانی و حکومت صالح پی‌ریزی می‌نماید و می‌گوید:

> ولایت در حال حاضر برای حاکم صالح است که جامعه‌ای صالح براساس کتاب خدا، سنت رسول‌اللهﷺ و اهل‌بیت تشکیل می‌دهد، ضرورتی هم ندارد که این حاکم از میان ائمه باشد؛ بلکه مهم این است که مسلمانان برای برپایی حکومت اسلامی اتفاق نظر داشته باشند و دیگر اختلافی در مورد اصل ولایت نیست. دلیل شرعی نیز وجود ندارد که ما ملزم به یک شکل خاص از اشکال حکومت کند؛ اما در چارچوبی که حفظ اساس اسلام را کلی بداند، دستمان در انتخاب باز است و آنگاه که به یک نظام اسلامی دست یافتیم، شیعه و سنی از این نظام حمایت خواهند نمود. (امام موسی صدر، ۱۳۸۴: ۲۵۲)

شهید مطهری با طرح‌ریزی جامع خود از حکومت و حاکمیت اسلامی، مبانی مشروعیت نبوی، امامان و ولایت فقیه، در اظهاری نظری عینی که به اداره جامعه سیاست مدن و تدبیر منزل اشاره دارد، معتقد است:

> دولت و حکومت در حقیقت، یعنی مظهر قدرت جامعه در برابر هجوم و مظهر عدالت و امنیت داخلی و مظهر قانون برای داخل و مظهر تصمیم‌های اجتماعی در روابط خارجی. (مطهری، ۱۳۷۵: ۱۵۱)

از مصادیق دیگر می‌توان به اندیشه و فکر تأسیس شورای انقلاب اشاره نمود. «کسی که فکر و اندیشه تأسیس شورای انقلاب اسلامی را در سر داشت، آیت‌الله مرتضی مطهری بود». (جوانمرد، ۱۳۸۵: ۲۳۱) این شورا به‌صورت عملیاتی، موجبات ایجاد وحدت و انسجام در نیروهای انقلاب اسلامی و توانایی عمیق در زمینه آینده‌نگری در امورات، تصمیم‌سازی و تقویت قدرت سازماندهی نیروها و گفتمان انقلابی در مواجهه با نیروهها و گفتمان‌های ماتریالیستی، اومانیستی خارج از گفتمان انقلاب اسلامی را فراهم می‌آورد. (همان)

جدول شماره ۴
تشابهات و تمایزات اندیشه دو اندیشمند

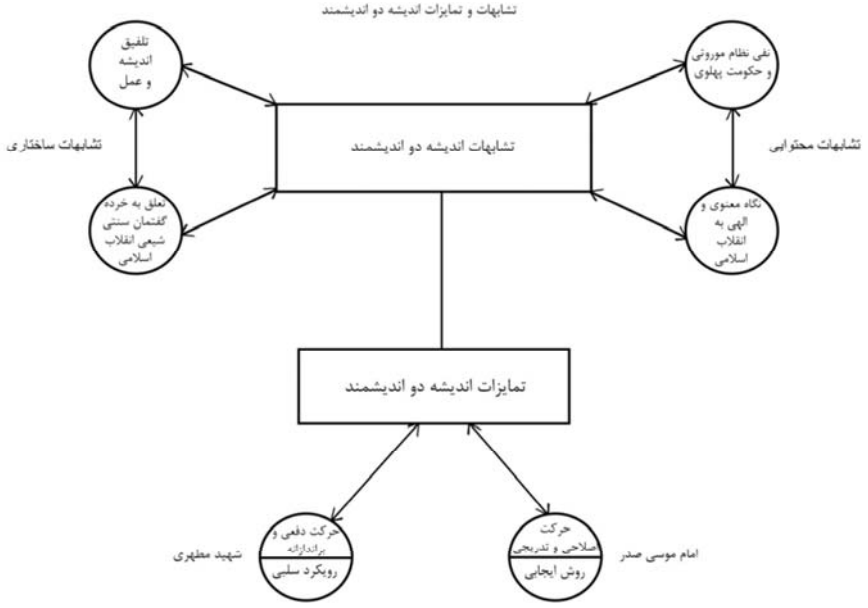

موارد بیان شده، تا حدی نگاه ذهنی امام موسی صدر در رابطه با تشکیل حکومت و ویژگی‌های حاکم و حکومت و نگاه عینی و ملموس شهید مطهری در باب حکومت، حاکمیت و کارکردهای آن را تبیین می‌نماید.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

همواره نظر غالب اندیشمندان شیعی، مخالفت با حکام دنیوی و مادی بوده است، تا جایی که آنها را غاصب قدرت امام دانسته‌اند. نامشروع قلمداد نمودن حکومت غیرمعصوم در اندیشه علمای شیعه، راه را برای پی‌ریزی مبانی انقلاب اسلامی مهیا نموده است. در باب عوامل مؤثر بر شکل‌گیری مبانی نظری انقلاب اسلامی در اندیشه امام موسی صدر و شهید مطهری، مهم‌ترین و نخستین عامل درک مشترک دو اندیشمند از فضای حاکم بر کشور و انقلاب اسلامی ایران، در قالب خرده گفتمان سنتی شیعی انقلاب اسلامی است. علاوه بر این، دو بخش ایجابی و سلبی در اندیشه دو اندیشمند قابل تشخیص است. امام موسی به پایه‌گذاری مبانی فکری خویش بر مبنای نظمی جدید و تشکیل حکومت جدید و جایگزین کردن آن به‌جای نظام پهلوی می‌اندیشد و با رویکردی دو وجهی (نظری و عملی) در پی تحقق آن است. شهید مطهری نیز با رویکرد سلبی و نفی گفتمان و نظام حاکم مستقر، به برانگیخته شدن و خیزش آحاد ملت ایران در برابر نظام پهلوی همت می‌گمارد و با ارائه نظریه و کنش انقلابی، دگرگونی و سرنگونی آن را رقم می‌زند. این دو اندیشمند در انتخاب الگوی خود از بین الگوهای فرهنگ سیاسی شیعه در مواجهه

با نظام حاکم و مستقر، شامل الگوی مسالمت ـ همکاری، الگوی انزوا و الگوی مقابله و انقلاب، الگوی سوم را انتخاب کرده و مبانی نظری و کنش انقلابی خویش را بر این اساس پی‌ریزی و اجرا می‌کنند. در نهایت در مبانی نظری امام موسی صدر در رابطه با انقلاب اسلامی، به نفی حکومت پادشاهی، نظام موروثی و ساختار سیاسی غیرانتخابی می‌رسیم و حاصل تکاپوهای فکری ایشان سرانجام به رد و طرد ساختار سیاسی نظام پهلوی می‌انجامد. مشابهت‌سازی و تشبیه انقلاب اسلامی ایران با حرکت انبیاء و پیامبران در قالب انتشار مقاله «ندای انبیاء»، حکومت صالح و انسان آسمانی که در رأس مدل تجویزی وی قرار می‌گیرد، شاکله اساسی و بنیادین مبانی نظری انقلاب اسلامی از دیدگاه وی می‌باشد. شهید مطهری تمرکزش بر ارائه مبانی نظری انقلاب اسلامی بر مدار مبارزه و نفی و سلب گفتمان پهلویسم، مبارزه با اقدامات ضددینی حکومت پهلوی، رد و نفی اندیشه‌های وارادتی و التقاطی و مبارزه با مارکسیسم، لیبرالیسم، امپریالیسم و تفکرات خارج از گفتمان انقلاب اسلامی و مبارزه با سایر خرده گفتمان‌های داخل گفتمان انقلاب اسلامی (خرده گفتمان چپ‌گرا، طرفدار مبارزه مسلحانه و ملی‌گرا) می‌باشد و در این مسیر تا حصول نتیجه یعنی پیروزی انقلاب اسلامی به نقش آفرینی تئوریک و عملی می‌پردازد.

منابع و مآخذ

۱. جوانمرد، سیداحسان، ۱۳۸۵، ***رفتار سیاسی شهید مطهری و انقلاب اسلامی***، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۲. خوشرو زاده، جعفر، بی‌تا، میشل فوکو و انقلاب اسلامی، رهیافتی پسامدرنیستی از منظر تحلیل گفتمان، ***پژوهشنامه متین***، ش ۳۲ و ۳۱.

۳. رهبری، مهدی، ۱۳۸٤، ***درآمدی بر جامعه سیاسی انقلاب اسلامی ایران***، ساری، انتشارات دانشگاه مازندران.

٤. سریع‌القلم، محمود، ۱۳۹٤، ***پیشوایی فراتر از زمان***، تهران، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.

۵. شکاری، عبدالقیوم، ۱۳۷۹، ***نظریه دولت تحصیلدار و انقلاب اسلامی***، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چ اول.

٦. شیخ فرشی، فرهاد، ۱۳۷۹، ***تحلیلی بر نقش سیاسی علمای شیعی در پیدایش انقلاب اسلامی***، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۷. صدر، امام موسی، ۱۳۸٤، ***ادیان در خدمت انسان***، ترجمه سیدعطاله افتخاری، تهران، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.

۸. صدر، سیدموسی، ۱۳۹۱، ***سفر شهادت***، ترجمه مهدی فرخیان و احمد ناظم، تهران، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.

۹. صدر، سیدموسی، ۱۳۹۸، ***انسان آسمان، جستارهایی درباره امیرالمومنین***علیه‌السلام، ترجمه احمد ناظم، تهران، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.

۱۰. فانوس، وجیه، بی‌تا، ***آزادی از دیدگاه امام موسی صدر***، پایگاه اصلاع رسانی امام موسی صدر.

۱۱. لک‌زایی، شریف، ۱۳۹۷، ***درآمدی بر اندیشه سیاسی امام موسی صدر***، تهران، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱۲. لک‌زایی، نجف، ۱۳۸۱، ***اندیشه سیاسی آیت‌الله مطهری***، قم، بوستان کتاب.

۱۳. مطهری، مرتضی، ۱۳٦٥، ***نهضت‌های اسلامی در صد سال اخیر***، قم، انتشارات جامعه مدرسین.

۱٤. مطهری، مرتضی، ۱۳۷٥، ***پیرامون جمهوری اسلامی***، تهران، انتشارات صدرا، چ دهم.

۱٥. مطهری، مرتضی، ۱۳۸٤، ***پیرامون انقلاب اسلامی***، تهران، انتشارات صدرا، چ بیست و چهارم.

۱٦. ملکوتیان، مصطفی، ۱۳۸۹، ***بازخوانی علل وقوع انقلاب اسلامی در سپهر نظریه‌پردازی***، قم، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ چهارم.

۱۷. نفری، امین، ۱۳۸۷، ***یادنامه امام موسی صدر***، تهران، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.

۱۸. هاشمی، سیدعبادالله، آگاه، محمد، ۱۳۹۸، «نقش امام موسی صدر در فرایند پیروزی انقلاب اسلامی ایران»، ***پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه***، سال دوم، ش دوم.

۱۹. هنری لطیف پور، یدالله، ۱۳۷۹، ***فرهنگ سیاسی شیعه و انقلاب اسلامی***، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چ اول.